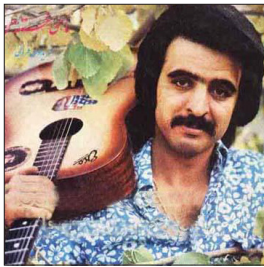


از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

## وقتی نیستی زندگی فرقی با زندون نداره...



فریدون فروغی (متولد نهم بهمن ۱۳۲۹-تهران) از نوجوانی وبدون آنکه کسی به او آموزش دهد تمرین خواندن می کرد.در ۱۶ سالگی به همراه یک گروه نوازنده در مکان‌های مختلف ترانه‌های غربی معروف آن روزگار را اجرا کرد و در اواخر دهه چهل به خواننده بلندآوازه کلوب‌های شبانه تهران بدل شد. سال ۱۳۵۰ به اجرای دو ترانه به نام‌های «آدمک» و «پروانه من» به شهرتی بیش از پیش رسید. سال ۱۳۵۲ فیلم تنگنا ساخته امیر نادری، صدای خش دار و خسته فروغی را بر تیتراژ داشت. در همان سال ترانه مشهور «نماز» (تن تو ظاهر تابستونو به یاد میاره / رنگ چشم های تو بارونو به یادم میاره / وقتی نیستی زندگی فرقی با زندون نداره / قهر تو تلخی زندونو به یادم میاره) را اجرا کرد؛ ترانه‌ای که سبب شد ساواک او را بازخواست کند. سال ۱۳۵۴ اجرای ترانه «سال قحطی» باعث شد حکومت شاهنشاهی به مدت دو سال او را از فعالیت منع کند. سال ۱۳۵۶، پس از اعلام قضای باز سیاسی، آلبوم «سال قحطی» را منتشر کرد. سال ۱۳۵۷، با وخیم شدن اوضاع سیاسی ایران، اعتراض خود را به اوضاع کشور با انتشار آلبوم بت‌شکن اعلام کرد. سال ۱۳۵۹ ترانه بار دبستانی را برای فیلم از فریاد تا نور به کارگردانی منصور تهرانی اجرا کرد. در حالی که بعد از انقلاب هیچ منع رسمی‌ای برای فعالیت فروغی اعلام نشده بود، به تهرانی خبر دادند باید صدای فروغی را از تیتراژ فیلمش حذف کند و این ماجرا متأسفانه شروع منع فعالیت فریدون بود. با این حال فروغی در ایران ماند و پیشنهادهای تهیه‌کنندگان آن سوی آب هرگز او را به رفتن رضی نکرد. تا پایان عمر کوتاهش جز اجرای یکی دو کنسرت در جزیره کیش مجوز برگزاری کنسرت با انتشار آلبوم نیافت. فریدون فروغی سیزدهم مهر ماه ۱۳۸۰ با انده حنجره‌ای خاموش شده زندگی را بدرود گفت.

### خودزنی / محیط‌زیست

## چگونه به حضرت عزرائیل یاری برسانیم؟

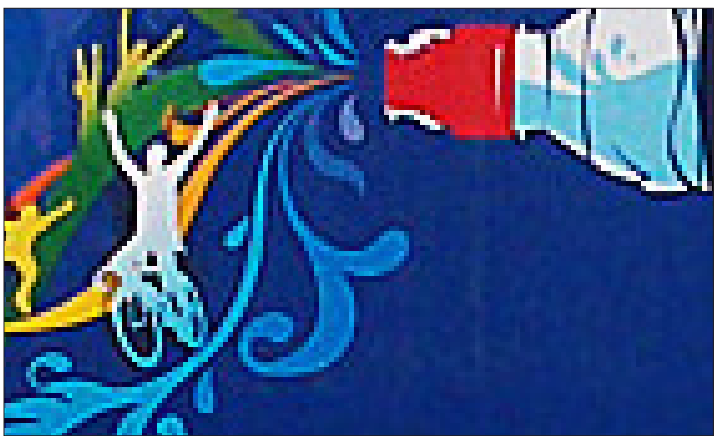
ماجرای آلودگی آب معدنی دماوند به میکروب‌های عجیب و غریب، این روزها پر سر زبان‌هاست. وزیر محترم بهداشت در پاسخ به این پرسش که نوع آلودگی میکروبی محصولات آب این شرکت چه بوده، گفته است: «محصولات این شرکت به میکروب سودوموناس آلوده بوده است که می‌تواند برای انسان مضر باشد. سودوموناس یک میکروب و پاتوژن بیماری‌زا و فرصت‌طلب است. این باکتری از سیستم ایمنی ضعیف افراد سوء استفاده و در بافت‌های بدن انسان عفونت و سموم مضر ایجاد می‌کند. میکروب سودوموناس می‌تواند عفونت‌های مجاری ادراری، سیستم تنفسی، التهاب و آماس پوست، عفونت‌های بافت‌های نرم، با کتری می (وجود با کتری در خون)، عفونت‌های استخوان و مفاصل، عفونت‌های معده و روده‌ای و عفونت‌های سیستمیک متنوع به‌ویژه در بیماران با سوختگی‌های شدید، بیماران مبتلا به سرطان و ایدز که سیستم ایمنی آنها سرکوب شده، ایجاد کند.»

خیلی هیجان‌انگیز است که ما این همه وقت میکروب سودوموناس نوش جان کرده‌ایم و روحمان هم خبر نداشته. وقتی به عبارات و جملات تبلیغی شرکت تولیدکننده آب معدنی دماوند فکر می‌کنم می‌بینم هیچ منافاتی با مسأله آلودگی به میکروب سودوموناس ندارد. (لطفاً به تصویر پایین ستون توجه فرمایید!) ناید به عزیزی که شبانه‌روز در تهیه خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های آلوده در حال فعالیت و تولیدند خرده گرفت، زیرا این بزرگواران به حضرت ملک الموت خدمت می‌کنند و به دنبال راهکارهایی عملی برای کم کردن زحمت ایشان هستند. هدف این تولیدکنندگان خیر است چون می‌خواهند به حضرت عزرائیل یاری برسانند. مرگ هم بالاخره شتری است که در خانه همه ما عطسه می‌کند. حالا چه فرقی می‌کند ابزارش چیست؟ آب معدنی آلوده؟ پرنج آلوده؟ آلبومی آلوده؟ رب گوجه‌فرنگی آلوده؟ یا هر چیز آلودهٔ دیگر. ترجیح می‌دهم در ادامه به جای هر توضیحی شعر طنزی را برایتان نقل کنم که مرطضی رحیمی در باره آب معدنی دماوند سروده است:

ای آب کثیف و فاسد و گند /ای میکروب خالی ای دماوند
بردی تو تمام آبرو از /آن کوه بزرگ آبرومند

با میکروب و باکتری هم آعوش /بر پاکی خود نبودی پابند
ای آب عجیب همچو رانی /محصول جماعتی هنرمند
داری تو مواد معدنی با /شن ریزه و سنگ پالپ مانند
«کلیه»ی مردمان ایران /از دست تو دامنایند

با میکروب خسته بسته پیمان /با لوله‌ی چاه کرده پیوند
چون گشت زمین ز جور گردون /قاطلی و خموش و سرد و آوند
پاشید به روی این زمین آب /آبی بد و گند و ناخوشایند
تو آب کثیف روزگاری /بهداشت تو را نموده stand
نی نی تو نه آب گند و خواری /جان تو نیم ز گفته خرسند
تو آب تمیز و خوش گواری /خواهش می‌کنم برو سمرقند.
آنجا هم اگر خوست نیامد /کج کره خود به سمت تایلند



فارسی را پاس بداریم

## بهاء این کتاب یا بهای این کتاب؟

یادش به خیر! روزی روزگاری در سال‌هایی نه چندان دور در اداره‌ای نیمه‌دولتی مشغول به کار بودم. در آن اداره، رئیس بنده و همکارانم میان من و آچار فرانسه هیچ تفاوتی قائل نبودند. در کنار کار پژوهشی و اجرایی و بانکی و غیره و ذلک، یکی از وظایف معمولی ویرایش نامه‌های اداری بود.

رئیس بنده که مردی بود محترم و محترم، نمی‌دانم چرا از سر عادت، واژه «بها» را «بهاء» می‌نوشت. بیش از صد بار پیش آمد که با ادب و احترام، همزه را از پایان واژه حذف کنم اما رئیس محترم نمی‌دانم چرا حذف همزه را به حساب عربی‌ستیزی من می‌گذاشت و از آنجا که زبان عربی را جلوه‌ای از جلوه‌های اسلام می‌دانست، همزه را با اصرار و الحاح به پایان واژه بها می‌چسباند.

یک روز که دیدم توضیحات شفاهی‌ام در رفع این غلط نگارشی کارگر نمی‌افتد، آنچه را که ابوالحسن نجفی در کتاب غلط‌نویسیم ذیل مدخل «بها/بهاء» آورده است، در نامه‌ای

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

## ساده‌سازی نظریات بدون کاستن از عمق

نگاهی به «فلسفه زبان» نوشته کالین مک‌گین

در میان شاخه‌های مختلف فلسفه تحلیلی، درک و فهم فلسفه زبان به دلیل درگیری این حوزه با مباحث انتزاعی و ذهنی طاقت‌فرساست و خواننده علاقه‌مند نیازمند کتاب‌هایی کمکی است که پیچیدگی‌های متون اصلی را کاهش دهند و فهم این مباحث را برای خواننده‌عادی راحت‌تر سازند. برای مثال، وقتی سؤالاتی از این دست را مطرح می‌کنیم که معنای واژه‌ها چیست؟ ارتباط نام‌ها و اوصافشان چگونه تعیین می‌شود؟ ما چگونه با واقعیت ارتباط برقرار می‌کنیم؟ نسبت واژه‌ها با معنا و مرجعشان چیست؟، با مجموعه‌ای از پرسش‌های کم‌وبیش غیرعینی سروکار داریم که یافتن پاسخی برای آنها کار آسانی نیست. کتاب فلسفه زبان، نوشته کالین مک‌گین (Colin McGinn)، با صورت‌بندی خوبی که به کار بسته است، به مطالب مهم فلسفه زبان از جمله معنا، مرجع، اسامی خاص، وصف‌های معین، نمایه‌ها، تعریف صدق، رابطه صدق و معنا، و… به دقت می‌پردازد و به نظر به‌پردازان آنها همچون فرگه، کریپکی، اوانز، پاتنم، تارسکی، دیویدسن و گرابس ارجاع می‌دهد. یکی از اهداف نویسنده کتاب، که تا حد قابل قبولی از عهده انجام آن برآمده است، ساده‌سازی این نظریات بدون کاستن از دقت و عمق‌شان است. البته، ارزیابی انتقادی مباحث نیز به منظور اندیشه‌ورزی و بحث و گفت‌وگوی بیشتر در میان آنها گنجانده شده است. نویسنده کتاب، ده متن کلاسیک در فلسفه زبان را گلچین و با توضیحاتی که درخصوص آنها ارائه کرده، جغرافیای این رشته را نتقیح کرده است. ممکن است این پرسش مطرح شود که چرا نویسنده تنها سراغ برخی متون فلسفه رفته و بقیه را مسکوت گذاشته است؟ مک‌گین تصریح می‌کند که نظر به‌پردازان کلاسیک این حوزه، بیشتر کسانی هستند که درباره‌شان مطالعه کرده‌و با آنها ارتباط برقرار کرده است. وی سعی کرده با بیان و تشریح نظریات آنها زوایای جدیدی برای تعمق بیشتر بگشاید. بررسی زمینه‌های تاریخی، پیدایش و نحوه انبساط نظرات مذکور مواردی است که

گردش روزگار برعکس است



سیزدهم مهر؛ روز نیروی انتظامی گرامی باد!

با کاروان حله / اخبار هنر

## آیا چاووشی به مهر جوینی کم لطفی کرد؟



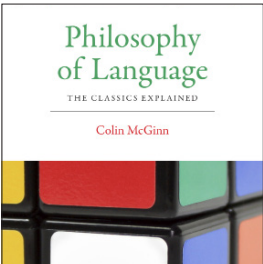
داریوش مهرجویی درباره فعالیت‌های این روزهای خود به هنر آنلاین گفت: نمایشی با نام غرب واقعی را از نوشته‌های سام شهرد که خودم ترجمه کرده‌ام، با بازی امین حیایی، محمدرضا خلج و… از روز ۲ شهریور به صحنه بردم که اجرای آن تا ۲۲ مهر در طبقه ششم پردیس کورش ادامه دارد. مهرجویی در ادامه در باره فیلم سنتوری نیز توضیح داد: فیلم «سنتوری، مرد پاییزی» فعلاً مراحل پیش تولید را

می‌گذراند و هنوز وارد مراحل اصلی کار نشده‌ایم. وی درباره حضور محسن چاووشی در این فیلم گفت: حضور محسن چاووشی در این فیلم به طور کامل منفی است. در واقع محسن به من خیلی کم لطفی کرد. او با سنتوری به شهرت و اعتبار رسید و با وجود دریافت مجوزهای لازم کار واکنش بدی از خود نشان داد و من را دلگیر کرد. وی افزود: رقی که او درخواست کرد دو برابر دستمزد کارگردان بود…! البته این حرف‌ها را کنار بگذاریم، زیرا دوست ندارم چیزی راجع به آن بگویم. این کارگردان پیشکسوت در پایان گفت: ممکن است یک یا دو خواننده جایگزین چاووشی داشته باشم که به زودی اطلاعات دقیق آن را در اختیار رسانه‌ها قرار خواهیم داد.

در حاشیه خبر هنر آنلاین و حرف‌های آقای مهرجویی باید گفت محسن چاووشی اگر صدایی مستعد و توانمند نداشت گل نمی‌کرد. اینکه صدای او با فیلم سنتوری گل کرد، با فیلم سنتوری با صدای او؟ جای چند و چون دارد. او امروز خواننده‌ای حرفه‌ای است و باید با توجه به شرایط امروزش با او تعامل کرد.

دردم فرود و دست به در مان نمی‌رسد
صبرم رسید و هجر به پایان نمی‌رسد
جان داده‌ام مگر که به جانان خود رسم
جانم بیرون شده‌ست و به جانان نمی‌رسد…
(انوری ابیوردی، قرن ششم، غزلیات)

سوت‌بان



نویسنده کتاب بدان‌ها پرداخته است. کالین مک‌گین، فیلسوف انگلیسی و استاد دانشگاه‌های آکسفورد، راتنجز و میامی، شهرتش را مدیون آثاری است که در حوزه فلسفه ذهن نوشته است و از آنجا که مدعی است که انسان لازم نیست مسأله آگاهی را حل کند، او را رمز و رازگرای نو (Mysterianism New) نامیده‌اند. وی بیش از بیست عنوان کتاب در حوزه‌های مختلف فلسفه نگاشته است، که از آن میان می‌توان خصوصیات ذهن

(۱۹۸۲)، مسأله آگاهی (۱۹۹۱)، آگاهی و متعلقاتش (۲۰۰۴) و معنای انزجار (۲۰۱۱) را نام برد. کتاب فلسفه زبان جدیدترین اثر این مک‌کین است که انتشارت دانشگاه ام‌آی‌تی در ژانویه ۲۰۱۵ آن را به زبان انگلیسی در ۲۵۰ صفحه منتشر شده است.

استفان شفر (Stephen Schiffer)، استاد فلسفه دانشگاه نیویورک در باره این کتاب می‌نویسد: «مک‌گین استعداد رشک‌آوری در توضیح متون سخت دارد بی‌آن‌که آنها را گنگ سازد، بلکه همچنان به طرز چشمگیری شهودی و در دسترسند. اگرچه ممکن است راه‌های دیگری نیز برای بیان یک مطلب وجود داشته باشد، اما روش او به گونه‌ای است که هر کس آرزو می‌کند آن را بیاموزد. حتی فیلسوفی حرفه‌ای که سال‌ها در فلسفه زبان به تدریس مشغول بوده و کار کرده است، وضوح بخشی زیادی در آن یافته و به طور کلی آن را ستایش آمیز می‌داند.»

کتاب مک‌گین در ده فصل نوشته شده که هر فصل یک نظر به‌پرداز را مورد بررسی قرار می‌دهد. برخی عناوین این کتاب عبارتند: فرگه و معنا و ارجاع، کریپکی و نام‌ها، راسل و اوصاف معین، دانلان و تمایز، کاپلان و متعینات، اوانز و فهم متعینات و… اگر می‌خواهید جدیدترین اثر این فیلسوف معاصر را بخوانید و با مقایسه آن با کتاب‌های ترجمه شده فارسی به دید روشن‌تری نسبت به فلسفه زبان دست یابید، خواندن این کتاب را از دست ندهید.

(منبع: ایبنا)

## شیکاگو تقاطع هنر و معماری شد



دوسالانه معماری شیکاگو از مهم‌ترین رویدادهای حوزه معماری در جهان، دیروز ۳ اکتبر با ارائه طیف گسترده‌ای از نمایش آثار معماری کار خود را آغاز کرد. طی برگزاری این دوسالانه بیش از یک‌صد پروژه از ۱۲ کشور و به نمایندگی از ۵قاره به نمایش درآمده و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بومی‌سازی و نگاه جهانی محوریت این دوره از دوسالانه شیکاگو را به خود اختصاص داده است. سارا هردامدیر این رویداد معتقد

است: موضوع دوسالانه انعکاس آن چیزی است که در معماری امروز جهان شاهدش هستیم. محل استقرار دوسالانه شیکاگو که بزرگ‌ترین نمایش آثار معماری در آمریکای شمالی به شمار می‌رود در مرکز فرهنگی شهر شیکاگو است و علاوه بر این مکان سازه‌هایی مختص به نمایش‌های این رویداد برای ارائه آثار طراحان شرکت‌کننده در نظر گرفته شده است. دوسالانه در دیگر نقاط شهر شیکاگو هم گسترش پیدا کرده: ازجمله سراسر خیابان میشیگان در پارک هزاره میزبان آثاری از دفتر طراحان (اولترامدرن) از رودآیلند، همچنین نمایش‌هایی از دانش‌جویان مدرسه معماری ROM در این شهر شده است. بنیاد گراهام در این شهر نیز که به هنر انتزاعی اختصاص دارد، در بخشی از این رویداد عکس‌های «بار باراکستن» از نماهای شهری شیکاگو ارائه کرده است. منطقه ساحلی شیکاگو هم از این رویداد بی‌نصیب نمانده و آماندا ویلیامز معمار ساکن شیکاگو با رویکرد نژاد و نابرابری بر خانه‌های متروکه حاشیه‌نشینان آفریقایی-آمریکایی نگاهی انداخته که به‌زعم او می‌تواند به توجه دوباره و عمیق‌تری به پیشینه فرهنگی این شهر منجر شود.

ما به مصرف انرژی اهمیت کافی نداده‌اند.»

بها دادن در فارسی هرگز به معنای «اهمیت دادن» نبوده است. جمله‌هایی مانند «ما به تکامل تاریخی بشر بها می‌دهیم» و «ناید به سخن این باوه‌گویان بها داد» که این روزها فراوان شنیده می‌شود تقریباً بی‌معنی است. در سال‌های اخیر ترکیبات غلط دیگری نیز از روی بها دادن پدید آمده. «بها دادن» و «کم بها دادن» مثلاً می‌گویند: «هنرمندان به ابداع و ابتکار بر بها می‌دهند». برای بیان این معنی در فارسی معادل‌های فراوانی بوده و هست و همیشه می‌توان آنها را به کار برد، مانند ارزش نهادن، ارج گذاشتن، اهمیت دادن، اعتبار قائل شدن، مهم شمردن، قدر شناختن، وقع نهادن و جز اینها.

در متون کهن وزن نهادن نیز به همین معنی به کار رفته است: «از آن زندگانی که در فراق دوستان گذرد چه لذت توان یافت؟ و کدام خردمند آن را روزنی نهاده است و از عمر شمرده؟»

خطاب به ایشان نوشتیم و روی میز‌شان گذاشتم: «بها واژه فارسی و به معنای قیمت است و در پایان همزه ندارد. بنابراین نباید گفت: «بهاء» این کتاب هزار ریال است.» اما بها، یا همزه پایانی، کلمه عربی و به معنای «فروغ و روشنائی» است و برای اینکه با بهای فارسی اشتباه نشود بهتر است که همزه پایانی آن در نوشتن حفظ شود.»

البته آن نامه اداری موثر واقع نشد و رئیس بنده -لااقل تا وقتی من در آن اداره مشغول به کار بودم - بها را بهاء می‌نوشت.

حالا که بحث به اینجا رسید بگذارید ببینیم استاد نجفی در ادامه در باره بها چه گفته است: «بها به معنای «قیمت» است و بها دادن یعنی «قیمت را پرداختن». بنابراین اگر گفته شود: «در جامعه ما به مصرف انرژی بها داده نشده است» معنایی جز این نمی‌دهد که «مصرف انرژی برای جامعه‌ا ما ممت تمام شده است» یا چه بسا «افراد جامعه ما بهای انرژی مصرفی خود را نپرداخته‌اند». اما غرض گوینده فقط این بوده است که «در جامعهٔ